منوچهرجمالی

فرهنگ اصیل و مردمی ایران فرهنگ زنخدائی ایرانست

تصویر این زنخدا بر مهره استوانه ای از مرمر نقش شده است . این مهره را درکاوشهائی که در خبیص کرمان کرده اند ، یافته اند و متعلق به سه هزار و پانصد سال پیش از میلاد مسیح است .
این زنخدا ، خود ، برابر با تخمه یا خوشه ایست که از او ، نه خوشه از بخشهای گوناگون بدنش میروید . این همان تصویر آفرینش گیتی از یك تخمست . یکی از نامهای این خدا « دست » است که به معنای « ده » نیزهست . (نه خوشه + یك خوشه) . سپس این اندیشه در میترائی ، در نقش گاوی که جهان از آن میروید بازتابیده شد . گاو ، در گذشته نام جنس برای هر جانی بوده است ، و نام این گاو ، »گوش « میباشد که به معنای خوشه است و نماد همه جانها در جهانست . درفش کاویان ، »درفش گوش « خوانده میشده است که نماد یکتا جانی همه بشر بوده است . سپس الهیات زرتشتی ، همین اندیشه را در آفرینندگی اهورامزدا منعکس میسازد . اهورامزدا ، از تن خود ، گیتی را میآفریند . همه این تصاویر در فرهنگ ایران ، بیان آنند که جان همه انسانها ، مقدس است ، چون این خداست که تبدیل به خوشه همه انسانها شده است . هیچ قدرتی ، حق کشتن و آزردن هیچ انسانی را ندارد . پیآیند دیگر این اندیشه ، آنست که آفریننده که خداست ، برابر با آفریده است که انسان باشد . انسان به همان اندازه خدا ، اصالت دارد . پیآیند دیگر اینست که شادی و درد یکی ، شادی و درد همه است . مسئله بنیادی حکومت در ایران ، تأمین شادی همه جانها و زدودن درد همه بوده است ، نه رستگاری از گناه (که نافرمانی

از خدا باشد) ، که بنیاد ادیان سامی است . پیآیند این اندیشه ، مقدس بودن جان است ، نه مقدش بودن امر خدا و پیامبرانش . اگر خدا ئی ، حکم قتل بدهد ، اهریمنست . تفسیر گسترده این تصویر ، در مقالات گوناگون بررسی خواهد شد .